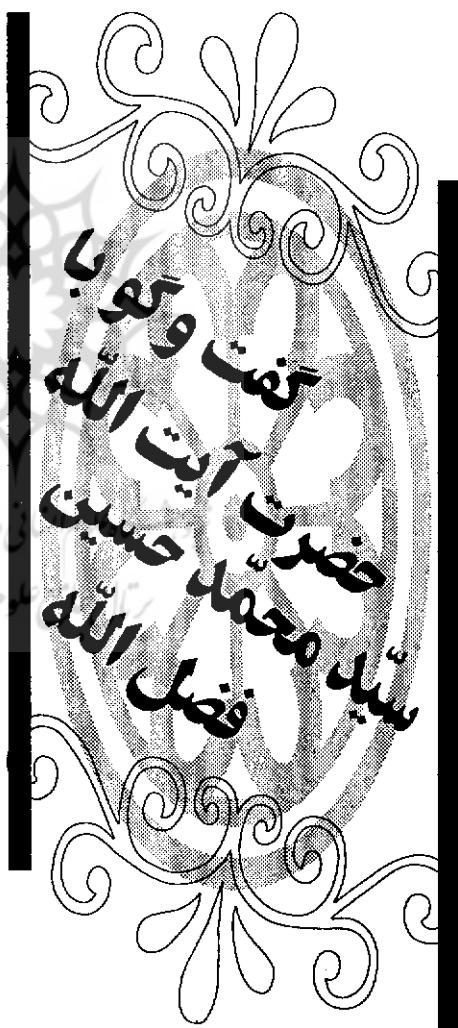


■ قسمت اول

■ ترجمه: محمد رضا ابروآنی

قرآن، کتاب زندگی است و آموزه‌هایش بهترین و استوارترین شیوه‌های سلوک فردی و اجتماعی انسان.

قرآن برنامه است، برنامه حرکت، تلاش و سلوک. حرکتی روی به فرازمندی، زیبایی، شکوه، رادی و عظمت. قرآن در درازای بیست و سه سال و همگام با حوادث، امت مسلمان را راه نموده و چگونگی چالش با واقعیتها را بدانها آموخته و چسانی دست یافتن به آرمان‌های بلند را شناسانده و از اینکه چگونه از وابستگی‌ها برهند و پیوستگی‌های خرد و ناشایسته با عظمت انسان را بکشند و آزاد کردند و به سوی بالاییها و والاییها راه یابند، با انسان



سخن گفته است که قرآن این همه را در اوج درگیری‌ها و زشتی‌ها و تباهی‌ها و نبرد با زورمداران، زراندوزان و تزویرگرایان طرح کرده است و نشان داده است راه رسیدن به «الله» از درون این درگیری‌ها می‌گذرد و فارغان از صحنه هرگز راه به دیهی نمی‌برند و شایستگی صعود به بالاها و والایی‌ها را ندارند. این نگاه نگاهی است هوشمندانه، تنبیه‌آفرین و درس‌آموز به قرآن و ابعاد آن و در قرن چهاردهم از جمله دلمشغولی‌های مهم برخی از مفسران نوآیین؛ و شیوه ارجمند و کارآمدی است که مفسر بزرگ و مجاهد هوشمند لبنانی شیعی «حضرت آیت الله سید محمد حسین فضل الله» در تفسیر ارجمندش «من وحی القرآن» و نگاشته‌های قرآنی‌اش در عرضه حقایق قرآنی از آن سود جسته است.

سید فضل الله از دانش آموختگان حوزه‌های علوم اسلامی و از عالمان نواندیش، اصلاحگر، درگیر و هوشمند امروز است با ذهن و زبانی امروزی و نگاهی کارآمد به دین و تحلیل و تفسیری آموزنده به قرآن.

او براین باور است که ابعاد اصلاحی، تربیتی و معرفتی قرآن را جز با حضور در صحنه‌های گونه‌گون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و معرفتی نمی‌توان دریافت؛ و با این نگاه و سمت‌گیری تفسیرش را رقم زده است.

فضل الله از معدود کسانی است که «جهاد» را با «اجتهاد» درآمیخته و نگاه به «میراث کهن» را با گرایشی روزآمد پیوند زده و در جهت «تجدد دینی» به درستی از «سنت» بهره گرفته و از این روی اکنون به گونه مطرح‌ترین و گره‌گشایترین مفسران اسلامی درآمده است. سخن از علامه فضل الله و چند وچونی‌آرا، باورها و گرایش‌هایش و نیز کفایتها و کمبودهای اندیشه‌هایش و فرآیند مواضع سیاسی، فکری و اعتقادی و مواضع و رویارویی‌های دیگران با وی و افکار و نگاشته‌هایش... در این مختصر نمی‌گنجد.

«بینات» از این روی که او اکنون یکی از مفسران بزرگ قرآن است که در حرکت جهادی، فکری و معرفتی‌اش بیشترین و برترین ارج را به قرآن می‌نهد و بیشترین بهره را از آن می‌گیرد، گفت و گو با آن بزرگوار را برای خوانندگان مغتنم دانست، امید است سودمند افتد و جست‌وجو گران معارف قرآنی را به کار آید.

لازم است از جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای جواد شریعتی که در انجام این گفت و گو مساعدت و قبول زحمت فرمودند قدردانی و تشکر کنیم.

اینک توجه خوانندگان گرامی را به قسمت نخست این گفت و گو جلب می‌نمایم.

«بینات»

با تشکر، حضرت آیت الله لطفاً پیرامون زندگی علمی و
چگونگی روی آوری تان به علوم و تفسیر قرآن،
توضیحاتی را بیان فرمایید.

استاد: این جانب در شهر نجف، در سال هزار و سیصد پنجاه و چهار هجری قمری متولد شدم و از سن ۱۰ سالگی زندگی علمی من شروع شد. ابتدا نزد مرحوم والد به تحصیل پرداختم که تا کفایه جلد اوک ادامه یافت و جلد دوم را نزد مرحوم شیخ مجتبی لنگرانی خواندم و درس های خارج را نزد اساتید بزرگ و آیات عظام، خوبی، حکیم و شاهرودی تلمذ کردم و همچنین در درس مرحوم آیت الله بجنوردی که در ایام تعطیل قواعد فقهی را تدریس می کردند نیز شرکت می کردم. بخشی از اسفار را هم خدمت شیخ صدرای بادکوبی در نجف خواندم. شهر نجف، شهر علم، دین، ادب و فرهنگ بود. آثار و مجلات روز و متنوعی به آن شهر وارد می شد و من سعی می کردم، آنها را مطالعه کنم. به ویژه مجله الرسالة و الکاتب المصری و مجلة الکتاب «نویسندگان». در کنار درس های حوزوی، با شعر و ادب عربی هم مأنوس بودم و از آغاز نوجوانی نیز به سرودن شعر پرداختم. نخستین اثر فرهنگی من کتاب قرآنی «اسلوب الدعوة فی القرآن» بود که در سال ۱۳۸۰ قمری به بازار آمد و در همان سالها با مجلة الاضواء که از سوی علمای نجف منتشر می شد، همکاری داشتم. مقاله های این جانب پس از مقاله شهید صدر که به عنوان رسالتنا می نوشت، تحت عنوان کلمتنا منتشر می شد که همه این مقالات، در کتابی به نام «قضایا علی ضوء الاسلام» منتشر شده است.

در رابطه با قرآن، از همان آغاز توجه خاصی به آن داشتم، قرائت ها و دیدگاه های گوناگون تفسیری و برداشت ها و نوشتارهایی که درباره قرآن عرضه می شد، توجه مرا به خود جلب می کرد. هنگامی که به لبنان برگشتم اولین تألیفم کتاب قرآنی «الحوار فی القرآن» بود. علت تألیف این کتاب آن بود که احساس کردم در عرصه فرهنگ و ادب عربی جای آن خالی است، سپس به تدوین تفسیر «من وحی القرآن» پرداختم که در ۱۵ سال قبل در ۲۵ مجلد قطع



جیبی منتشر شده است و چاپ جدید آن با اضافات و تنقیحات کاملی منتشر خواهد شد که فکر می‌کنم در حجم و اندازه تفسیر المیزان باشد. آخرین کتابی که در زمینه قرآنی تألیف کرده‌ام «من عرفان القرآن» است. علاوه بر اینها در سخنرانی‌هایی که در زمینه‌های گوناگون اخلاقی و فرهنگی و حتی سیاسی دارم با قرآن شروع می‌کنم، تا مفاهیم آن در دلهای مردم جای گیرد و بیش از سی سال است که همدم قرآن هستم.

پیشگفتار

استاد! شما چه کسانی بودند؟

استاد: استاد به خصوصی نداشتم. زمان بسیار اندکی در درس‌های تفسیر آیت الله خوبی (ره) حاضر شدم. این درسها در شب‌های پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد. در یافت‌های قرآنی که دارم همه بر اساس مطالعه و تجربه شخصی بوده که بر اثر ممارست حاصل شده است.

پیشگفتار

برای اینکه تفسیری زنده و روح بخش از قرآن داشته باشیم، به چه عاملی باید توجه داشته باشیم؟

استاد: من فکر می‌کنم مهم‌ترین عامل در مطالعه و تفسیر قرآن این است که انسان خود را در برابر کتابی ببیند که در زندگی او جاری است، به گونه‌ای که همه پدیده‌های زندگی علیرغم تنوع و تفاوت آنها که در گذر زمان رخ می‌دهد، روش و منش خویش را در قرآن جست‌وجو کند و از آن الهام بگیرد، زیرا قرآن برای زمان و مکان و افراد ویژه‌ای که در زمان نزول وحی می‌زیسته‌اند، نازل نشده است بلکه خداوند سبحان قرآن را همچون نوری برای همه بشریت عرضه کرده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: قرآن با شب و روز؛ و خورشید و ماه، همراه و همدم است، یعنی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها است. بنابراین سزاوار است که فهم ما از قرآن، فهمی جاری و متحرک باشد چه شرایط زندگی، شرایط صلح باشد یا شرایط جنگ، چه مسایل مورد ابتلا، اجتماعی باشد یا اقتصادی یا سیاسی. قرآن برخلاف کتب آسمانی دیگر یکباره نازل نشده، بلکه نزول تدریجی داشته تا تجربه همراهی با کتاب وحی را برای یک دوره زندگی، به انسانها بیاموزد. برای قرآن اسباب نزول ذکر شده تا نشان دهد قرآن توجه به واقعیات زندگی دارد و مسلمانان صدر اسلام، نیازها و واقعیات‌های

زندگی را از قرآن الهام می گرفتند. ما هم در صورتی به فهمی واقعی و کارآمد از قرآن می رسیم که آمال و آرزوهای خود را در آن ببینیم و واقعیت های زندگی را براساس مفاهیم قرآن شکل دهیم. این شیوه اهل بیت علیهم السلام در معرفی قرآن نیز بوده است، چنانکه از امام رضا علیه السلام نقل شده که مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، چگونه است که قرآن کریم هرچه بیشتر مورد درس و بحث قرار می گیرد بر طراوت و تازگی مطالب آن افزوده می شود؟ حضرت فرمودند: چون خدای تبارک و تعالی قرآن را برای همه زمان ها و مکان ها و همه مردم نازل کرده است، لذا برای هر عصری جدید و برای هر قوم و ملتی تازه است، بگونه ای که هر نسل و جامعه ای خواست ها و نیازها و رهنمودهای خویش را در قرآن جست و جو می کند و پاسخ آنها می یابد و این روش امامان معصوم علیهم السلام در برداشت های قرآنی بود.

چه موضوع یا موضوعات قرآنی اولویت تحقیق و

تفسیر دارد؟

پیشکش

استاد: به نظر من باورها و عقاید، نقش محوری در مفاهیم اسلامی دارند مانند: توحید، نبوت و معاد، ما باید به طور دقیق، به مطالعه و تحقیق در قرآن پردازیم، به گونه ای که نه تنها به ظاهر آن توجه کنیم بلکه به اعماق آن با عنایت به دیگر آیات قرآنی نیز توجه کنیم، چه بسا که آیه ای، مجملی را بیان کند و آیه های دیگر عبارات آن را بیان و اشارات آن را عیان کند. ما برای اینکه به تصویری زلال از عقاید دست یابیم باید به دور از هرگونه پیش داوریها به سراغ قرآن برویم. متأسفانه تاریخ کارهای قرآنی نشان می دهد که بسیاری از مردم آرا و نظرات خودشان را برقرآن تحمیل کرده اند. اول فلسفه را مطالعه کرده و با ذهنیتی فلسفی به مطالعه قرآن می پردازند و مفاهیم قرآن را به حسب همان ذهنیت تفسیر یا تأویل می کنند، در نتیجه این نظرات تفسیری، به جای حل مشکلی، خود مشکل ساز شده اند و ابعاد بلاغت و فصاحت آن را از یک سو و ظواهر آن را از سوی دیگر فراموش کرده اند. برای پرهیز از این مشکل، سزاوار است با ذهن خالی از پیش داوریها، عقاید خویش را از حقایق قرآن بیرون آوریم؛ البته با تأمل و دقت عقلانی، آنهم عقلی که مقتضای فطرت و وجدان انسانی است نه عقل برخاسته از فلسفه یونانی. مانند نظریه فیض الهی. که نظریات و عقاید ویژه خود را دارد. از همین دیدگاه من براین نکته تأکید دارم که ما باید

پیشکش

اعتقادات بنیادی خویش را از قرآن با همان روش و نگرش قرآنی برداشت کرده و پایه ریزی کنیم، نه آنکه اعتقادات و برداشت های خود بر قرآن تحمیل کنیم.

میزان اهمیت قرآن تا آنجا است که در بسیاری از حالات، به جای اینکه تفسیر قرآن را از سنت بجوییم، سنت را به وسیله قرآن تفسیر می کنیم. مثلاً در قرآن می خوانیم «انما الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه» (مائده، ۹۰/۵) کلمه



«میسر» حسب فهم عرفی از قرآن معنی قمار را دارد که در آن عوض ملحوظ شده است وقتی در روایات می خوانیم که «الشطرنج میسر او النرد میسر» به این نتیجه دست می یابیم که شطرنج و نرد خود به خود حرام نیست مگر در صورت برد و باخت، چرا که عرف، بازی با این وسایل را بدون برد و باخت قمار نمی نامد.

مهم ترین ایرادها و شبههاتی که پیرامون قرآن کریم مطرح است چیست؟

بیّنات

استاد: مهم ترین شبهه ای که از سوی مسیحیان و سکولارها مطرح می شود تردید در وحیانی بودن قرآن است. آنان قرآن را کلام پیامبر و تألیف او می دانند. برای پاسخ به این شبهه، گذشته از بررسی و تحلیل ریشه های تاریخی شکل گیری این شبهه، دگرگونی های آن باید دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. تا از خلال آن بتوانیم به صورت بنیادی و اساسی، وحیانی بودن قرآن را برای آنها اثبات کنیم.

آیا فکر نمی کنید بعضی از موضوعات سؤال برانگیز، اولویت های منطقه ای دارند و مسأله همه انسانها و یا جامعه اسلامی نیستند؟

بیّنات

استاد: البته مسایل اساسی وجود دارد که مسأله همه انسانها است مثل موضوع آزادی و همچنین آزادی فکر و اندیشه، مسأله زن، موضوع گفت و گوی با اهل کتاب و حتی

سکولارها و همه مردم، با همه گرایش‌ها و جهت‌گیریها و به طور کلی در همه زمینه‌های اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ... در همه این موارد می‌توان باب گفت و گورا گشود، چرا که جامعه امروز به حل این مسایل نیازمند است. مثلاً مسأله مشروعیت زور و خشونت و اجبار، آیا از نظر اسلام برای تغییر و تبدیل و دگرگونی فکر و اندیشه و یا نظامها و ... می‌توان به این ابزارها متوسل شد؟ یا آنکه دو گونه ابزار هستند که هر کدام در جای خودش با شرایط ویژه آن به کار گرفته می‌شود.

اینها مشکلاتی است که انسان معاصر با آن روبرو است و همچنان بحث و گفت و گو درباره آنها ادامه دارد. از همین دیدگاه و خاستگاه است که هرنسلی در گذرگاه زمان باید قرآن، این سخن و پیام الهی را، به عنوان الگوی فکری و راهبری زندگی خویش قرار دهد.

نقش و تاثیر فرهنگ زمانه به خصوص فرهنگ عصر

نزول در فهم قرآن تا چه میزان بوده است؟

پیشکش

استفاد: مسأله زمان نمی‌تواند پدیده وحی را محدود کند، چرا که وحی (قرآن) پدیده‌ای است فرازمانی و جاری در همه اعصار، ولی چون قرآن در شرایط و مناسبات فرهنگی خاصی نازل شده است، شناخت آن زمینه‌ها و مناسبت‌ها ما را در فهم آیات و چگونگی نظر قرآن به واقعیات مدد می‌رساند. ضمن اینکه فهم مردم عصر نزول بر ما روشن می‌شود، زیرا آنان با توجه به زمینه‌ها و بستر نزول وحی، معنای آیه‌ها را می‌فهمیدند و راه خویش را می‌جستند. البته توجه فراگیر به مناسبات و فرهنگ زمانه، باعث تجمید و حصر قرآن در زمان و مکان خاصی نیست، بلکه نقطه آغازی است برای شروع فهم یک واقعه و امتداد آن تا زمان حاضر و آنچه از اسباب نزول گفته شده، بیان توجه قرآن به واقعیات زندگی است که به عنوان نمونه ذکر شده تا با تاسی و الگوسازی از آن، قرآن را در زندگی خویش جاری کنیم و از آن الهام بگیریم، مثلاً درباره آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِهَا بَيِّنَاتٍ لِّلنَّاسِ ...» (بقره، ۱۵۹/۲) در احادیث وارد شده که مقصود اهل کتاب، به خصوص یهود است در حالی که نمی‌توان به همین مورد اکتفا کرد و با الغای خصوصیت، قابل تعمیم به همه موارد مشابه است، یا آیاتی که درباره جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است، آنجا که می‌فرماید: «هناك ابتلى المؤمنون وزلزلوا زلزلاً شديداً» (احزاب، ۱۱/۳۳) این

پیشکش

آیه با ما نیز در مواجهه با دشمنان سخن می گوید و نکات ضعف ما را یادآور می شود. همین گونه روشها و شیوه های خدعه آمیز و مکرآلود یهود که در قرآن بارها بدان اشارت رفته نیز می تواند هشداری باشد برای ما در عرصه زندگی کنونی که از آن درس عبرت بگیریم و جزو کسانی که تاریخ را لعن می کنند و خود در همان چاله ها فرو می روند نباشیم. یکی از معانی تأویل و تفسیر باطنی قرآن، همین الهام گرفتن از قرآن در بستر فعلی زندگی است، همان گونه که امام باقر علیه السلام فرموده است: ظهر قرآن نظر به مردمان عصر نزول دارد و بطن قرآن، به کسانی نظر دارد که اعمال مشابه آنان را انجام می دهند.

حضرت استاد، گفته می شود که قرآن جامع همه چیز است و به هر سؤال پاسخ می دهد و به این آیه استناد می کنند «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۱۶/۸۹)، شما در این باره چه نظری دارید؟

پیشکش

استاد: مقصود از «کل شیء» بیان همه اسرار طبیعت و ریز مسایل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نیست زیرا انبیا برای این منظور ارسال نشده اند، بلکه مقصود این است که قرآن تبیان است برای احتیاجات اساسی بشر در همه زمینه ها، بدین معنی که اگر انسان در سایه اصول کلی اسلام حرکت کند در مسیر حق قرار گرفته است، مثلاً قرآن برای تأمل عقلانی و دریافت های تجربی ارزش قایل است. حال اگر انسانها براساس این دو منبع کارهای فکری و علمی انجام دهند، بیراهه نرفته اند و همینطور قضیه عدل که مطلوب علی الاطلاق قرآن است. روایات نیز در این زمینه گویا هستند چنانکه علی علیه السلام می فرماید: فی القرآن نبأ ما قبلکم وخبر ما بعدکم وحکم ما بینکم. و نیز می فرماید: ألا أن فيه علم ما یأتی والحديث عن الماضي ودواء دائکم ونظم ما بینکم. از این احادیث معلوم می شود که هرچه مورد نیاز انسان است از حیث اعتقاد و قانون و اخلاق، در قرآن بیان شده است.

نظر شما درباره تفسیر علمی قرآن و حدود آن چیست؟

پیشکش

استاد: تفسیر قرآن براساس نتایج علوم، کار درستی نیست، چون تئوری های علمی

پیشکش



متحوّل می شوند و بر حدس و گمان و تجربه ناقص استوار هستند. تفسیری که مبتنی بر این تئوریهها باشد، متزلزل و غیر استوار خواهد بود و ضریب اطمینان و اعتماد پایین می آید، البته در قرآن اشارات علمی فراوانی وجود دارد که انسان را دعوت به تحقیق و تأمل می کند، بدون اینکه به تفصیل وارد بحث شود، مثلاً در قرآن آمده است «وما من دابة فی الارض ولا طائر یطیر بجناحیه الا ام امثالکم ما فرطنا فی الكتاب من شیء ثم

الی ربهم یحشرون» (انعام، ۳۸/۶) این آیه از ما می خواهد که در خصوص

زندگی حیوانات مطالعه کنیم زیرا نحوه برقراری ارتباط در بین آنان و رفتار و نظم حاکم بر زندگی اجتماعی حیوانات و چگونگی به فعلیت رسیدن غرایز و شیوه های گوناگون دفاع حیوانات، همه و همه قابل تأمل و تحقیق عمیق است و چشم اندازهای دامنه داری را در برابر انسان در شناخت خلق و خالق باز می کند.

پیشکش

لطفاً نظرتان را پیرامون آیه 'الرجال قوامون علی النساء'

(نساء، ۳۴/۴) بیان فرمایید.

پیشکش

استناد: دیدگاه من در این موضوع با دیدگاه علامه طباطبایی متفاوت است، ایشان قوامیت را در همه شئون می داند، در حالی که من آن را منحصر در شئون زندگی حاصل از زوجیت می دانم. چون دنباله آیه می گوید: «... بما فضل الله بعضهم علی بعض وبما انفقوا من اموالهم» (نساء، ۳۴/۴) تمامی آیه پیرامون زندگی زناشویی است. اقتضای زوجیت، انفاق مرد است نسبت به زن، چرا که مرد نسبت به همسرش مسئول است. همان گونه که نسبت به فرزندان بر اساس اقتضای پدر بودن مسئول است. پس فضای قبل و بعد آیه اولاً: به این حقیقت اشاره دارد که تبلور قوامیت مرد نسبت به زن در انفاق است، به لحاظ زوجیت و ثانیاً: این امر، حاصل برخی از ویژگیهای ذاتی مرد است که او را سزاوار تأمین زندگی زن دانسته است، زیرا زن به لحاظ شرایط حمل و رضاع نمی تواند همپای مرد حرکت کند و همین باعث استحقاق زن در قوامیت مرد نسبت به انفاق به خانواده می باشد. به هر حال از

این آیه، قوامیت انحصاری مرد در امر قضا و حاکمیت سیاسی مرد در نمی آید.

روایات زیادی در دست داریم که آیات قرآنی را تاویل کرده است، آیا این روایات به مصداق یا مصادیق آیات اشاره دارد و اصلاً تاویل چه معنایی دارد؟ آیا می توان آیات متشابه را تاویل کرد و در نهایت میزان اعتماد به این روایات تا چه حد است؟

پیشگفت

استاد: مقصود از تاویل، تحصیل مرجع برای معنی است، یعنی کشف مصداق مثلاً آیه «یوم یاتی تاویل» (اعراف، ۵۳/۷) در اینجا «تاویل» یعنی قضایای روز قیامت که در قالب این مفهوم بیان شده است. گاهی مقصود از تاویل حمل لفظ است به همان معنایی که آیه از آن سخن می گوید مثلاً مقصود از آیه «وما یعلم تاویلہ الا اللہ والراسخون فی العلم» (آل عمران، ۷/۳) امور غیبی است که قرآن آن را حکایت می کند. معانی غیبی که تحت تجربه ملموس قرار نمی گیرد، حق نداریم الفاظ دال بر آن معانی را برخلاف معنی ظاهری حمل کنیم، حمل الفاظ بر همان معانی مورد نظر، تاویل است. معنی دیگری که برای تاویل از سوی ائمه علیهم السلام ذکر شده این است که نباید به مورد شأن نزول آیات توقف کرد، بلکه باید آن را به همه موارد مشابه در طول تاریخ تعمیم داد. امام باقر علیه السلام می فرماید ظهر قرآن نزول آن و بطن آن تاویل آن است و با سیر خورشید و ماه نیز سیر می کند، اخبار مردگان آن به مشابه اخبار زندگان است.

معنی دیگری که برای تاویل نیز از سوی اهل بیت ذکر شده اینست که از معانی حقیقی قرآن به معانی مجازی برسیم، آن هم به خاطر رابطه ای که بین دو معنا وجود دارد. در کتاب کافی آمده است که فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام از آیه «ومن احیایها فکأنما احیای الناس جمیعاً» (مائده، ۳۲/۵) پرسش کرد. حضرت فرمود: نجات از غرق شدن یا آتش گرفتن. گفتند: اگر کسی شخصی را از گمراهی نجات دهد و او را به حق رهنمون گرداند مشمول آیه می باشد؟ حضرت فرمود: «ذلک تاویلها الاعظم» ظاهراً مقصود از تاویل اعظم، مفهوم عمیق آیه است که زندگی واقعی را، ارتباط یافتن با خدا و حرکت در مسیر او می داند.

اما در رابطه با روایات من همواره بر این نکته تأکید داشته ام که ما همان گونه که در سند

و متن روایات فقهی دقت عمیق داریم، در روایات تفسیر هم باید در حد بالاتری دقت داشته باشیم، به خصوص که این روایات ناظر به جنبه های اعتقادی است که اساس فروع به شمار می آید. مشکل بسیاری از تفاسیر، درج این روایات، بدون رعایت ضوابط است، حتی شیخ مفید می گوید: عقل را نسزد که به نفی این احادیث پردازد، در حالی که بحث ما در امکان یا عدم امکان عقلی آن معانی نیست، بلکه باید انسجام و هماهنگی معانی حدیث با طبیعت امور و اشیا مورد نظر قرار بگیرد. ایرادی که من به علامه طباطبایی دارم همین است که ایشان بعضی از احادیث که صحت آن محرز نیست، دست مایه توجیه آیات قرآنی قرار داده است، در حالی که قرآن مرجع معصومی برای اندیشه های مناسب اسلامی است و ما از خلال آن می توانیم احادیث مغشوش و کاذب را شناسایی کنیم. براساس دستور اهل بیت علیهم السلام: «ما خالف کتاب الله فهو زخرف» در عین حال روایاتی که از نظر لفظ و متن محکم است بدون شک در تفسیر قرآن حجیت دارد، مانند: احادیث مربوط به آیه مباحله و شجره ملعونه در سوره اسراء و آیه ابلاغ و ...

کسی که می خواهد به تفسیر قرآن پردازد چه قابلیت‌ها و شرایطی را می بایست دارا باشد؟

پیشکش

استاد: مفسر قرآن باید به فرهنگ زبان عربی آشنا باشد و حتی شمه ای از ذوق ادبی عربی را دارا باشد، چون قرآن سرشار از شیوه های بلاغی است و اگر مفسر فاقد ذوق ادبی باشد، از دریافت جنبه های بلاغی قرآن عاجز است. بسیاری از مفسران فقط فهم لغوی و قاموسی از قرآن دارند، در حالی که تاریخ کلمه و تحولات آن و بار احساسی و عاطفی موجود در کلمه دنیایی را در برابر مفسر باز می کند. علاوه بر لزوم آشنایی با فرهنگ زبان عربی، لازم است که با فرهنگ موضوعات قرآن نیز آشنا باشد و همچنین نسبت به جامعه و قوانین حاکم بر آن معرفت داشته باشد، چرا که قرآن در بسیاری از آیات از سنت های حاکم بر جوامع و طبیعت سخن می گوید و چون مفسر می خواهد قرآن را برای نسل معاصر تفسیر کند باید نسبت به زمان و مکان و مقتضیات آن هم آشنا باشد، تا بتواند مفاهیم قرآن را در بستر مناسب جاری کند، علاوه بر همه اینها مفسر باید محیط بر احادیث باشد یعنی با توجه به سند و متن و ارتباط مفهومی و یا مصداقی احادیث آیه را تفسیر کند زیرا ائمه مصداق اکمل

مفاهیم لغت براساس مرور زمان تغییر می کند آیا این
تغییر تأثیری در تفسیر قرآن دارد؟

بیتناش

استاد: لغت ها تابع استعمال می باشند و صاحبان هر زبان به خاطر مناسبت هایی
لغت های زیادی را در معانی مجازی استعمال می کنند که با معنی اولی آن تفاوت دارد، لذا
دانشمندان لغت فرق می گذارند بین معنی لغوی و معنی عرفی، ولی برای درك واقعی
لغت های قرآنی باید معانی عصر نزول و تحولات جاری در آن عصر را در نظر گرفت.

تفسیر مطلوب شما چگونه تفسیری است و نقایص
تفاسیر موجود را در چه می بینید؟

بیتناش

استاد: من فکر می کنم که ما نیازمند به تفسیری می باشیم که قرآن را به عنوان یک کتاب
زندگی به انسانها معرفی کند و انسان را با همه جوانب معیشتی آن مخاطب قرآن بداند.
بسیاری از تفاسیر فقط از خلال روایات به تفسیر پرداخته اند که سند و متن آن توثیق نشده
است و اگر بخواهیم شیوه تفسیر مآثور را اختیار کنیم مثل تفسیر البرهان یا الدر المنثور، باید
به روایاتی اعتماد کنیم که در حد وثاقت قرآن یا نزدیک به آن باشد. برخی از تفاسیر نیز خیلی
همگون تألیف شده اند. مثل تفسیر تبیان و مجمع البیان که به شیوه تفسیر مقارن بین آرای
شیعه و دیگران تألیف شده اند. در این میان تفسیر المیزان با شیوه علمی و اعتماد بر مشرب
فلسفی، مباحث عمیق و ارزشمندی را مطرح کرده است، ولی من در بسیاری از مباحث،
اختلاف نظر اساسی با این تفسیر دارم که در طبع جدید تفسیر «من وحی القرآن» به آنها اشاره
کرده ام.

تفسیر امثل از جناب آقای مکارم شیرازی، هم برای عامه مردم که فرهنگ متوسطی
دارند تفسیر خوبی است ولی مشکل اساسی در تفاسیر پرداختن به جنبه ای از قرآن و ترك
جنبه های دیگر آن است.